



• ΝΩΝ ΕΝΣΤΗΙ  
ΔΕΓΙΓΝΕΤΑΙ ΕΡ  
ΦΙΛΗΤΗΣ ΟΤΙΑ  
ΤΗΙ ΦΙΛΗΣΙ  
ΣΥΝΕΙ  
ΚΑΙ  
ΣΥΝΚΗ  
ΑΓΗΡ  
ΚΑΙ ΑΘΑΝΑΤΟΣ Κ  
ΛΑΙΝΟ ΔΕ ΟΥΣΤΕ  
ΑΙΤΟΣ ΕΙΔΕΣΩΝ  
ΩΝ ΔΕ ΓΙΓΝΕΤΑΙ  
ΛΥΚΟΣ ΟΝΟΜΑΤΗ  
ΚΑΤΟΙΚΙΖΕΙ ΕΝ  
ΚΑΡΣΥΝΝΗ ΟΙΣ  
ΚΑΙ ΤΟΙΣ ΕΙΛΘΑΝΑ  
ΟΝ ΤΗΥ ΤΕΥ Η ΔΕ  
ΜΕΛΙΣΤΑΙ ΤΩΝ

# باستان گرایی در ادبیات

گردآورنده : سما رحیم زاده

استاد مربوطه : سرکار خانم پروانه والامهر

زمستان ۱۴۰۰

# فهرست

۷	باستان‌گرایی در قرآن	۱	چکیده
۹	باستان‌گرایی از زبان ادیبان	۲	مقدمه
۱۲	شعرهای باستان‌گرایانه	۳	باستان‌گرایی در ادبیات
۱۳	نتیجه‌گیری	۵	انواع باستان‌گرایی
۱۴	منابع	۶	جستارهای وابسته به تاریخ

# چکیده

در این مقاله قصد داریم یکی از فنون زیبا سازی آثار شاعران و نویسندگان را رمز گشایی کنیم. در ابتدا با ارائه ی تعریف این فن، آشنایی اولیه را شکل داده و انواع آن را معرفی می کنیم. این شیوه ی تشخیص بخشیدن به شعر، تأثیر گذاری در مخاطب و زنده کردن فضای سنتی و قدیمی در شعر، باستان گرایی نام دارد. در ادامه با پیشینه ی این شیوه و جلوه های آن در قرآن آشنا خواهید شد؛ در آخر نیز از باستان گرایی به زبان ادیبان با شما سخن خواهیم گفت و با ارائه ی نمونه هایی از این شیوه در آثار شاعران، بیش از آنچه که در آغاز این مقاله دریافتید، به دنیای ادبیات باستانی خواهید گرایید.

کلید واژه : ادبیات فارسی، باستان گرایی، دوران آرکائیک، ادیبان، ادبیات آرکائیک، هنجار، هنجارگرایی



## مقدمه

زبان‌شناسان شکل گرای روس و چک در به کارگیری زبان معتقد به نظام زبانی برجسته سازی بودند. هنگامی که شاعر با شکستن معیارهای زبان روزمره با کمک وزن، پنداشته‌ها، برگزیدن ترکیب‌ها و واژه‌های فراخور و گاه حتی جابجایی برخی ارکان جمله، زبان را از هنجار کلام روزمره دور کند، به این کار او برجسته سازی گفته می‌شود. فرایند برجسته سازی به دو بخش تقسیم می‌شود:

(۱) هنجارگریزی

(۲) هنجارافزایی

هنجارگریزی یعنی شکستن هنجار منطقی و طبیعی زبان با نگرش هنرمندانه که به موجب آن عناصر زیبا شناختی و ادبی سخن، مجال نمود پیدا می‌کنند. در آثار به جا مانده از فرمالیست‌ها، هشت نوع هنجارگریزی قابل پیگیری است. هنجارگریزی زمانی (باستان‌گرایی) یکی از این شگرد در نظریه‌ی فرمالیست‌هاست که ما قصد داریم در ادامه به آن بپردازیم.

# باستان‌گرایی در ادبیات

یکی از اصطلاحات ادبیات فارسی باستان‌گرایی (Archaism) بوده که ادبا آن را به کار بردن کلمات منسوخ یا شیوه‌ی نحوی مهجور و غیر متداول در زبان امروز می‌دانند. درک معنای اصطلاح مزبور نیازمند تأمل در زبان و تحولات آن می‌باشد. همانطور که می‌دانید تحولات زبانی در طول سالیان دراز چه در واژگان و چه در نحو و دستور زبان رخ می‌دهد.



از آنجا که زبان هر شاعر یا نویسنده باید به زبان عصر و روزگار خود باشد، اگر شاعر یا نویسنده‌ای در کلام خود از لغات مهجور استفاده کند، کهنه گرا خوانده می شود؛ اما گاه شاعران برای تشخیص بخشیدن به شعر، تأثیر آن در مخاطب و زنده کردن فضای سنتی و قدیمی در شعر خود، از نحو یا واژگان گذشته و به اصطلاح مرده زبان استفاده می کنند. البته واضح است نحوه استفاده از این امکانات زبانی به هر شاعر برمی گردد.



# انواع باستان‌گرایی

## واژگانی

: به کارگیری شکل کهن و باستانی واژگان در اشعار نو باستان‌گرایی واژگانی نامیده می‌شود.

(۱) واژگان عام: منظور به استفاده از واژگان کهنی با نقش اسم صفت، قید و... است که در زبان معاصر کاربرد خود را از دست داده‌اند.

(۲) واژگان اسطوره‌ای، حماسی و آیینی: منظور به بهره‌گیری عناصر از تنوع و گستردگی واژگان اساطیری و برجسته‌سازی عناصر اسطوره‌ای، حماسی و آیینی برای تشخص بخشیدن به شعر می‌باشد.

## نحوی

: در کنار نوآوری‌هایی که شاعران امروز در اشعارشان برای دستیابی به یک زبان مشخص دارند، بازگشت به سنت‌های نحوی گذشته و تجدید حیات آنها در آثار برخی از شاعران مشاهده می‌گردد.

مانند ساکن کردن متحرک، به کاربرد «ی» اشباع شده، به کار بردن ضمیر مفعولی بعد از فعل، تقدم صفت بر موصوف و تنسيق الصفات.



# جستارهای وابسته به تاریخ



**دوران آرکائیک:** آرکائیک نام دورانی از نیمه‌های سده هفتم قبل از میلاد است که یونانیان شروع به پرورش فنون و آرای الهام گرفته از تمدن‌های کهن‌تر مانند مصر و خاور نزدیک کردند. این دوران با شروع جنگ‌هایی در اوایل قرن پنجم قبل از میلاد پایان گرفت.

در فارسی به آرکائیک عهد عتیق و دوران کهن نیز می‌گویند که خیلی معادل‌های دقیقی محسوب نمی‌شوند.

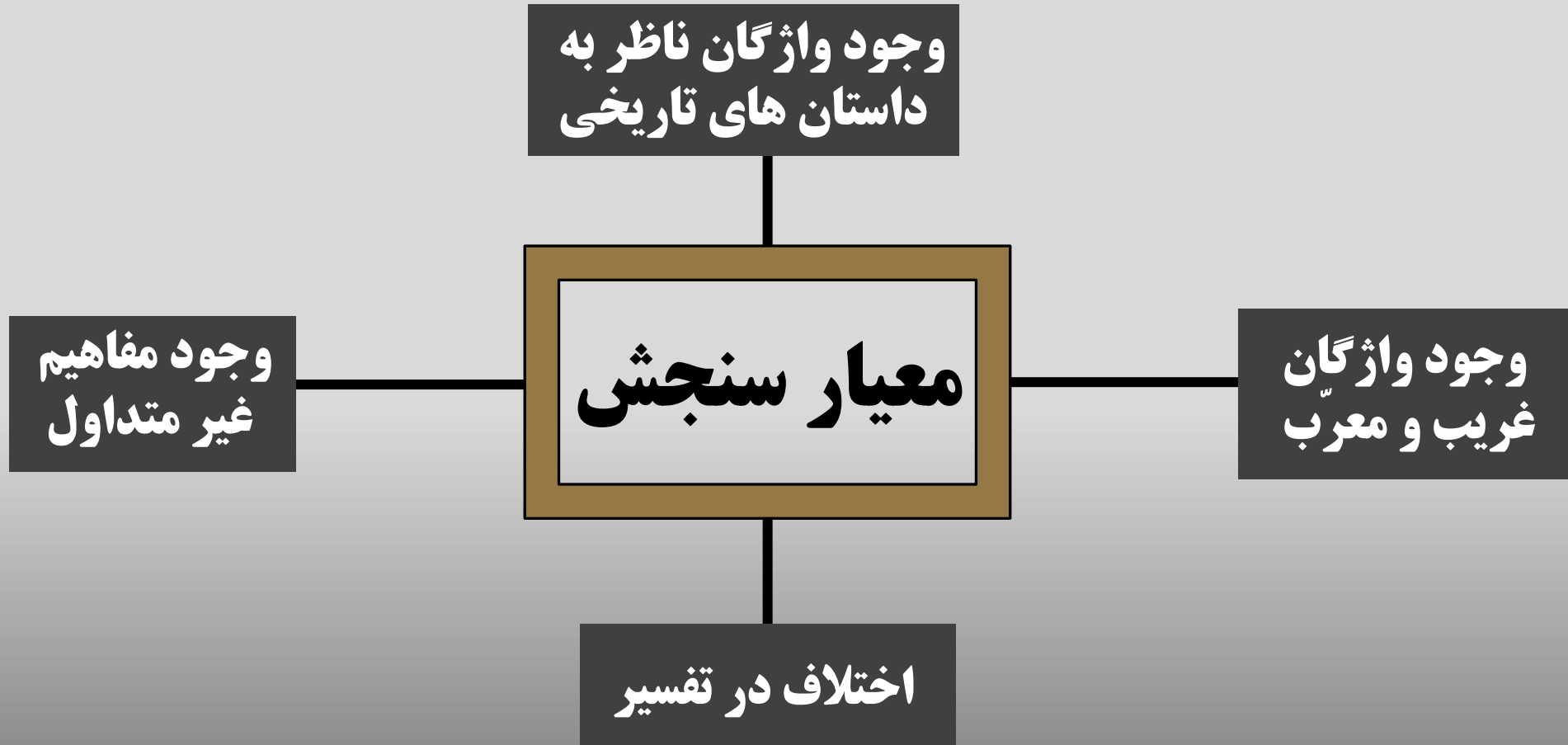
**ادبیات آرکائیک:** یکی از ادبیات روزهای ماقبل تاریخ غرب، ادبیات آرکائیک یا آرشایی است که در قرن چهارم پیش از میلاد با مرگ شاعری بنام پندار به پایان رسید. این دوره ادبیات از نظر تاریخی میان ادبیات دوره حماسی و ادبیات دوره کلاسیک یونان باستان است. دوران آرکائیک یکی از سطوح و پله‌های آغازین دوره ادبیات و هنر بود که مشخصه اش خلاصه نویسی و فشردگی بیان در فرم بود.



# باستان گرایی در قرآن

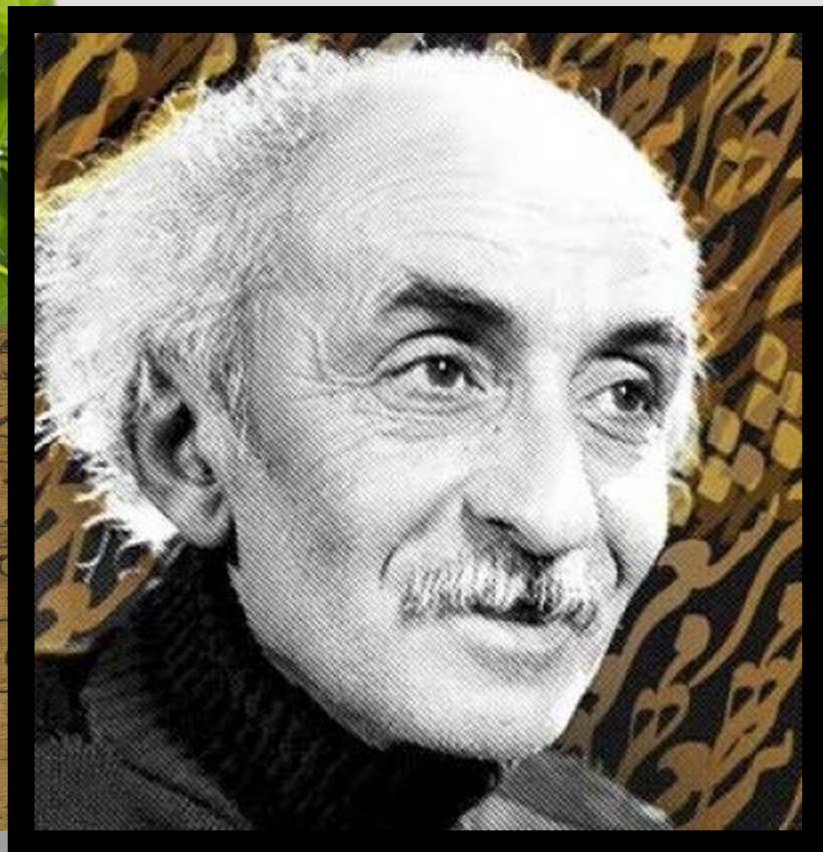
یکی از شیوه های کاربرسته در قرآن کریم برای شیواگویی، روگردانی از ادبیات و سبک گفتار روزمره است. روزمره نبودن کلام، یکی از شیوه هایی است که گاه ادیبان با کاربرد آن به کلام خود گیرایی میبخشند؛ و به آن آشنایی زدایی می گویند. این آشنایی زدایی در واقع همان باستان گرایی است.





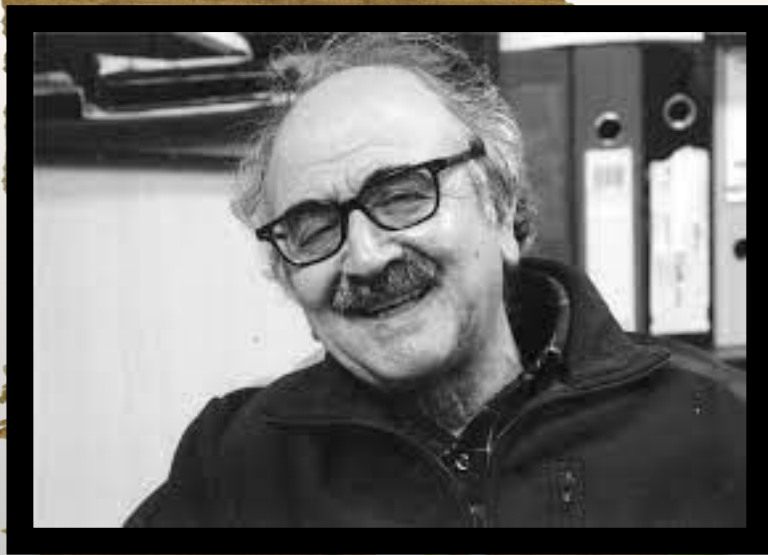


# باستان گرایی از زبان ادیبان



اولین شاعر معاصری که در ایران به طور آگاهانه رویکرد گذشته را در شعر امروز احیا کرد و جریان این شیوه ی ادبی را بنا نهاد نیما پوشیج است؛ این امر نشان دهنده ی علاقه ی نیما پوشیج به زبان کهن می باشد. هرچند که باستان گرایی در شعر او برخلاف شعر اخوان و شاملو جز مشخصه های اصلی به حساب نمی آید اما باید دانست که جرقه ی اصلی آن را نیما زده است. وی در این باره می گوید : **کسی که قدیم را خوب بفهمد، جدید را حتماً می فهمد، یا متمایل است که بفهمد.**





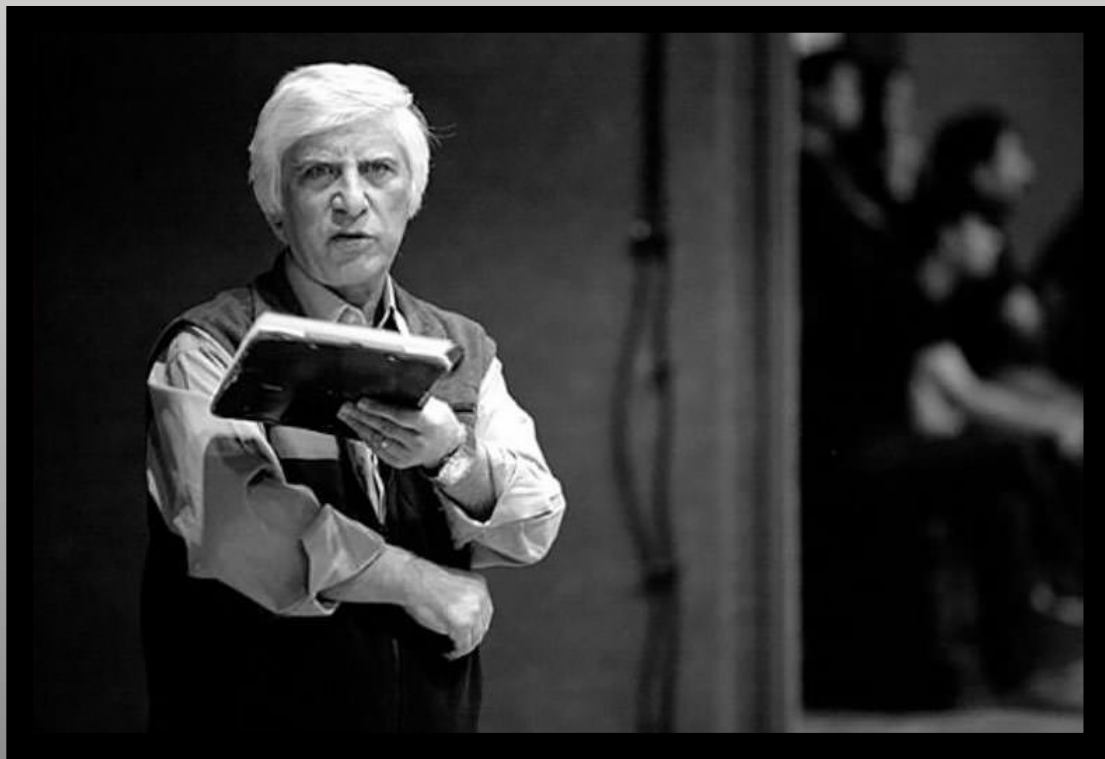
شفیعی کدکنی معتقد است: «مفهوم باستان‌گرایی محدود به کاربرد واژگان کهن نیست و حتی انتخاب تلفظ قدیمی‌تر یک کلمه، خود نوعی باستان‌گرایی است». همچنین او درباره‌ی اهمیت باستان‌گرایی گفته است: شاید پس از وزن و قافیه، کاربرد آرکائیک، پرکاربردترین و تأثیرگذارترین راه تشخیص دادن به زبان باشد.



میرصادقی مینویسد: «آرکائیسیم برای هویت بخشیدن به کلام و تأثیر بخشی بیشتر یا تداعی زمان گذشته و خلق فضای ستنی و قدیمی در کلام به کار می‌رود.»

بهرام بیضایی نیز معتقد است در زمانی که یک واژه کهن از معادل امروزی اش فصیح تر باشد اندیشیدن به زبان یا اندیشیدن به معادل ها ها اتفاق می افتد، همچنین او زبان آرکائیک را برای گفتن مجموعه ای از مفاهیم بهتر می داند تا زبان معاصر.

بیضایی بهترین راه را جاری بودن زبان با زمان اثر میداند به طوری که هم از زبان کهن هم مدرن در آن استفاده شود که اگر اینطور نباشد آن اثر تکراری ، عادی و مرده خواهد بود.



# شعر های باستان گرایانه (کلمات قرمز رنگ ، کلمات آرکائیک هستند)

## شمس لنگرودی\_همان

نزدیک تر بیا دیگر آوازی ندارم  
تا رازم را بشنوی  
تا ستاره ی بی تب را **بنگری**  
باید که پرده ی تاریک را بر گشایی.

## م. سرشک\_دفتر شبخون

پروانگان مست، پرافشان به بامداد  
با **فسون** خویش چون رویای دوشین یا پرنندوشین  
کاروان رهروان **باختر** دیری ست  
**وینک** اینجا مانده من خاموش و سرگردان

## قیصر امین پور

امروز هم / ما هر چه بوده ایم، همانیم /  
ما **صوفیان** ساده سرگردان / **درویش** های گمشده  
دوره گرد /  
حتی درون خانه ی خود هم مهمانیم /  
اما کجاست **خرقه** و **کشکول** ما

## قیصر امین پور

حرف ها دارم اما بزنم یا نزنم؟  
با تو ام، با تو، خدا **را** بزنم یا نزنم؟

## شاملو\_آیدا در آینه

و انسان به زندان بندگی **اندر** بماند.



# نتیجه گیری

در پایان می توان گفت هر آنچه که در زبان و گفتار متداول جای ندارد شعر می تواند آن را درون خود جای دهد و حتی آنچه که به دید عموم شاعران برای شعر نامناسب و هنجار شکن است ، می تواند توسط یک شاعر به گونه ای به کار گرفته شود که به اثر او زیبایی بخشد و آن را از دیگر آثار متمایز نماید. باستان گرایی نیز از این دست شگرد ها می باشد که شاعر با بهره گیری از آن، با جان بخشی به کلمات منسوخ و مهجور، به شعر خود جان می بخشد و به نوعی با این شگرد، امضای اختصاصی خویش را را به پای این اثر می زند.

# منابع

ارجمندی نرگس، ارجمندی مریم، باستان گرایی، دومین همایش ملی بازشناسی مشاهیر و مفاخر

خراسان در ادب پارسی، ۱۳۹۶

شیری زاده علی اکبر، نقش آشنایی زدایی در آفرینش زبان ادبی، رشد آموزش زبان و ادب فارسی

شماره ۵۹، ۱۳۸۰

بابایی اعظم، باستان گرایی، پژوهشکده باقرالعلوم، ۱۳۹۳

میرصادقی میمنت، واژه نامه هنر شاعری، تهران، مهناز، چاپ سوم، ۱۳۸۵